



۲۰۱۷/۱۲/۱۵

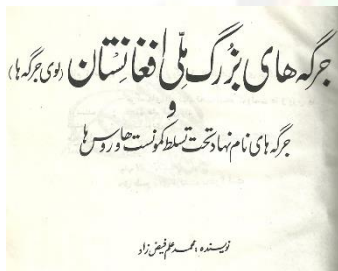


احسان الله مایار

تدویر لویه جرگه، بحث داغ روز قسمت اول

دانشمند محترم ف، هیرمند به تاریخ ۲۰۱۷/۱۱/۲۲ زیر عنوان "چرا لویه جرگه...؟" در قید ۷ صفحه دایر شدن لویه جرگه را با استدلال قوی مورد فحص و غور قرار داده که از دید بنده گفتنی زیاد در مورد باقی نمی گذارد. محترم هیرمند در پاراگراف اخیر صفحه اول و آغاز صفحه دوم چنین می نگارد:

"طوری که تاریخ سایر کشورها گویا است، هر کشوری در مرحله و مراحل معینی از تاریخ خود مجلس (جرگه) داشته است، پدیده مجلس کردن بومی، محلی و عنعنه بی را از دوران تاریخ قبيله ها محسوب میکنند و آنرا مولود جوامع قبیلوی و قومی می دانند، که در جوامع پیشرفته در سطح عالیتری متکامل و دموکراتیزه شده اند، در حالیکه این مجالس در جوامع عقب مانده مشخصه های دوران کلاسیک را بیشتر حفظ نموده اند. عوامل و عناصری که



گویای متکامل بودن چنین تأسیسات سیاسی شمرده می شوند، شاید در هر سیستمی کم و بیش متفاوت باشند، اما به هر صورت موارد آتی در جمله صفات تکاملی آنها شامل خواهند بود."

با تأیید نظر محترم هیرمند در طول مبارزات آزادی خواهی میهن عزیز ما علیه نظام دست نشانده شوروی زمان و هجوم قوای شوروی در وطن ما با اشغال موقت آن مبداء و منشأ قیام مردم در حلقه جلسات مخفی و یا عمومی صورت گرفته و این جلسات منبعث به اقدامات بزرگتر و یا کوچکتری گردیده است.

ایجاب نمی کند که بار دیگر از زمانی صحبت نمایم که در راه آزادی وطن محبوبم در پاکستان سپری نموده ام، لیک آن روز و شب ها در پشاور خود مکتبی بود که در آنجا با یک تعداد از بزرگان قوم و با یک تعداد بی شمار از مردمان سلحشور و آزاده وطنم سر و کار پیدا نمودم. در زمره کسانی که در آنجا بعضی اوقات در حلقات افغان ها مصادف می شدم، محترم فیض زاد بود که با اسم و خانواده شان از زمان نایب الحکومگی پدر مرحومم در ولایت قطغن آشنائی داشتم. مرحوم فیض زاد و همچنان مرحوم جمشید شعله از خانواده های سرشناس چاه آب به شمار میروند که همیشه در ضیافت ها در صدر مجلس جا داشتند. اثر محترم محمد علم فیض زاد تحت عنوان "جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها) را در سال ۱۹۹۰م در پشاور ابتیاع نموده بودم که اینک از آن بعضی مطالب را اقتباس نموده به خدمت خوانندگان محترم تقدیم می نمایم تا در اكمال دیگر نوشته ها مُد شده بتواند.

این اثر مشتمل بر ۳۹۴ صفحه بوده که با قطع و صحافت موزون در ماه میزان ۱۳۶۸ در لاهور، پاکستان طبع گردیده است.

چون حجم کتاب بیشتر از آن بوده که همه را ثبت نمایم لذا مطالب مورد علاقه را طور تلخیص رو نویس نموده خدمت پیشکش می نمایم.

این اثر که مقدمه آن توسط استاد خلیل الله خلیلی تدوین گردیده از تدویر بیست بار لویه جرگه ها صحبت میکند که از دید بنده ذکر نمودن همه آنها تکراریست که علاقمندان از آن مطلعند و ایجاب یاد دوباره آن ها را نمی کند. با وجود آن جریان تغییر حکومت و قطع پیوند اعضای خانواده سلطنتی از رأس اداره و اعتماد نمودن به قشر روشنفکر و تعلیم یافته افغان و عقیده به اصل دیموکراسی بنابر صوابدید پادشاه افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و تدویر لویه جرگه تصویب قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ ش مطابق به سپتمبر ۱۹۶۴ م سنگ فاصله نشانایست که در سرنوشت ملت افغان رابطه مستقیم داشته که انگیزه تغییر آن بنحوی با وضع امروزی جامعه افغانی رابطه داشته، به ذوق بنده وفق نموده و می خواهم تفصیل جامع آنرا از اثر محترم فیض زاد اقتباس نمایم و خدمت خوانندگان ارائه نمایم. این مطلب خاص در آینده به نشر خواهد رسید.

و این است مقدمه اثر موصوف به قلم استاد خلیل الله خلیلی:

فکر سالم عقول ملت هاست که کفیل همه سعادت هاست

یک از دانشمندان همکشورم که از سال ها با وی پیوند دوستی دارم و او را از علم برداران خدمت فرهنگ و قلم داران فیاض می شناختم در این ایام آوارگی و شب های غربت و بیچارگی کتابی در دسترس مطالعه من گذاشت که پس از تحقیق و تلاش فراوان آنرا نگاشته است.

این کتاب تاریخ لویه جرگه های وطن محبوب من افغانستان است.

روشنگر آرای اجتماعی ملت است که در حوادث مهم گاهی در مواقف بس خطیر و هراس آور و گاهی در آوان امن و آرامش ظهور نموده و این پدیده است که حاکمیت مردم را در تعیین سرنوشت مردم تمثیل می نماید و این جاست که یا بنیان ملوکیت و استبداد منزل بوده و در برابر حوادث خطیر، مردم مانده و ایمان و آرای مردم و یا نظام ملوکیت استوار بوده و در بعضی قضایا خود را مجبور یافته که در برابر ملت خم شود و با تأسیس لویه جرگه برای حل آن قضایا از آرای مردم استمداد نماید.

لویه جرگه مرکب مقلوب توصیفی است و این همان اجتماع آرای مردم است که در کتاب خجسته آسمانی ما به کلمه شوری تعبیر شده. تحقیق مؤلف در اجزای این مرکب بر پایه علم الغه بنا یافته اما معلوم نیست مرکب (لویه جرگه) از کدام زمان به جای و رای مردم در کشور ما اطلاق گردیده.

در هر حال به عقیده این عاجز بزرگی لویه جرگه یا مجلس بزرگ را باید در حوادثی ارز یابی کنیم که در جرگه مطرح گردیده و آن به سرنوشت مردم بوده باشد.

از جریان این تاریخ بر می آید که جرگه به دو نوع انعقاد یافته.

جرگه های که در مواقف خطر از اراده آزاد خود ملت منعقد شده و آن در روز گاری بوده که نظام مرکزی بر هم خورده و تاج سلطنت سرنگون گردیده و مردم به خودی خود با دشمن بیگانه دست و گریبان بوده اند. تشکیل جرگه در چنین اگر چه شمار اعضای آن اندک و از هرگونه تشریفات عاری بوده در پایه اول از بزرگی و عزت قرار دارد.

و جرگه های دیگر که در مسایل روز و تدوین قوانین در هنگام امن و آرامش به وسیله فرمان و دعوت نامه تشکیل شده در درجه دوم قرار دارند.

تفاوت است میان جرگه های که حکومت آنها را آورده و جرگه های که آنها حکومت را آورده اند. مثلاً جرگه ای که سران جهاد در غزای شیرپور و خرد کابل نمودند بدون تردید بزرگترین و مؤثرترین جرگه وطن ما در قرن اخیر است. ...

چون جرگه منعقد شد شبی سخت ظلمانی و وحشت انگیز بود فردای در پی داشت که مردم تنها دو راه در پیش داشتند ذلت غلامی یا تاج آزادی.

حمید سخنور حماسه سرای کشمیر شرح این شب و این جرگه را سخت زیبا منظوم گردانیده در سؤال و جوابی که اکبر قهرمان جوان با سران جهاد نموده من این بیت ملمع را شاهکار این منظومه می دانم

چو او گفت این سرزمین اخلم

یکی گفت استا بلا و اخلم

دور نرویم جرگه شب ۲۴ حوت ۱۳۵۷ که سنگر گزینان هرات قیام فردای شان را تثبیت نمودند و بیست و پنج هزار شهید در آن معرکه دادند از جرگه های ممتاز و متعالی در تاریخ ماست.

جرگه شب موسوم به "الله اکبر" که هفت سال قبل شهریان کابل در برابر سپاه متجاوز وحشی روسیه شوروی به مسجد و خانه به خانه منعقد نمودند و فردای آن هزاران زن و دختر به فجیع ترین وجهی جامه گلگون شهادت پوشیدند گوهر اکلیل مفاخر ما شمرده می شود. همچنین جرگه های مزار شریف، قندهار، بدخشان و تخارستان از گردنه خیبر تا دهنه ذوالفقار.

ای کاش فرماندهان سنگر های مجال می یافتند و شرح این جرگه ها را ثبت می کردند و آن مفاخر جاودانی را به نسل های فردای ما و به جهان آزادی خواهان به ارمان می گذاشتند.

یکی از عوامل عقب ماندگی مردم ما و سایر ملت های مسلمان این بود که سنت شورا برداشته شده بود و حکومت ها از ملت ها فاصله داشتند و سرنوشت ملت ها را از خود ملت ها پنهان می کردند.

اگر شورائی در دولتی تأسیس می شد تلاش به عمل می آمد تا نمایندگان ملت قبل از آنکه از جانب مردم انتخاب شوند از سوی کارمندان حکومت انتصاب گردند. ...

این اشتباه سیاسی همیشه به زیان دولت مردان تمام شده و در میدان حوادث آنها خود را بیگانه از مردم شناخته به انزوا ساخته اند. ملت مانده است و مبارزه با دشمن، ملت مانده و خودش و ایمانش و جرگه هایش.

روستا زادگان با ایمان همه سالار و سنگری گشتند

ناز پروردگان مسند و جاه خواب کردند و بستری شدند

باید اذعان کرد که لویه جرگه های که از طرف ملت در موقف خطیر انعقاد یافته و لویه جرگه های در دوره های امن و آرامش تشکیل شده و در آن سود و زیان مردم مطرح بحث قرار گرفته هر دو مظهر افکار مردم و تجلیگاه رأی و اندیشه آزاد آن شناخته می شود و بر اساسات دین خجسته اسلام استوار است.

دولتی که بر آرای آزاد مردم استوار نیست آله تمتع خود کامگان مستبد است و ملتی که شوری ندارد زبان ندارد. نویسنده این کتاب گرامی برادرم محمد علم فیض زاد شایسته هر گونه تقدیر و سپاس است.

در حیرتم شهادت جوانان رشید خانواده نجیبش را تنهیت گویم که در دفاع از خاک مبارک وطن در برابر نیروی خونخوار وحشی جان سپرده اند، یا مهاجرتش را در اردوگاه اورگان در سرزمین پاکان تنهیت خوانم، خدمات فرهنگیش یاد کنم و یا این اثر تحقیقی وی را تقدیر نمایم.

دانشمندی که سال های دراز عمر را در خدمت معارف به راستی و سرافرازی به سر برده و جریانات افکار ملت را در لویه جرگه و پارلمان خود مشاهده نموده و برتری موقف والای برهنه پایان مسلمان را بر مقام متزلزل ملوکیت شناخته تحقیقات عالمانه وی آن هم در تاریخ لویه جرگه عالی تر از آنست که این سالمند آواره هیچ مدان بر آن مقدمه نی بنویسم یا موخره نی بنگارم.

این کتاب مقام آرای آزادگان ملت را توضیح می دهد انعکاس آواز مردم است آواز مردم صدای حق است. تتبع و استقرای مؤلف در دیدگی های خودش و در مآخذ واثق تاریخ نگاران افغان و بیگانگان مؤلف محترم را در ادای امانت بیشتر توفیق بخشیده. ...

ذکر ایامی که در لویه جرگه و دارالشوری در کنار نمایندگان ملت سر افراز افغانستان نشسته بودم همواره مایه سر بلندی من است.

یاد باد آن روزگاران یاد باد

خلیلی ۱۰ سنبله ۱۳۶۵ - اسلام آباد

و اینک بعد از مقدمه پیشگفتار مؤلف:

دانشمندان گفته اند: "اگر خواسته باشی دوست بی عیبی داشته باشی شاید همیشه بی دوست بمانی و اگر بخواهی کتاب بی نقصی تألیف کنی شاید هیچ تألیف نکنی".

مردم افغانستان در طی قرون متمادی دارای تاریخ و فرهنگ درخشانی بوده در شهر نشینی، ایجاد صنایع، ترویج علم و دانش، تجارت، زراعت، ایجاد باغ ها، مالداری و تربیه حیوانات مصدر خدمات بس عظیمی گردیده اند. با استفاده از منابع طبیعی، در ایجاد مدنیت، آبادانی تعمیم علم و معرفت پیش قدم بوده خدمات بزرگی به مردم خود و جامعه انسانی انجام داده اند.

در دفاع از وطن وخصوصیات ملی و عنعنوی خود نیز شدیداً علاقمند بوده، در مقابل هر تجاوز گر، دلیرانه و با شهامت و جان بازی مقاومت و دفاع کرده نام و شهرت با افتخاری در تاریخ کشور به یادگار گذاشته اند. از خصوصیات مهم مردم ما شجاعت، دلاوری و سلحشوری آنهاست که در تاریخ کشور ما شاهد آنست. از اسکند مقدونی تا مغل و شیپانی و هر تجاوزگر دیگر به مقاومت شدید مردم و مجاهدین مملکت ما مواجه گردیده اند. جهاد دلیرانه مردم ما در مقابل قوای استعماری انگلیس در طول تخمین یک قرن از مثال های زنده تاریخ کشور ما است.

اینک در مقابل سلطه کمونیزم و تجاوز روس ها جهاد مجاهدین شجاع مردم ما جهان امروز را متعجب ساخته است که شمه از این جهاد مقدس و حماسه آفرین مردم مان را جسته جسته ذکر خواهم کرد.

با وصف آنکه از موضوع بحث که در باره جرگه هاست جدا می شود، ناچار نام افغانستان هر جا می آید، جهاد مقدس مردم ما نیز به خاطر ها تداعی می گردد. مردم ما سر ویرانه های خود (با وصف هزاران مانع و مشکلات در مقابل جدیدترین سلاح های روس) خون پاک خود را می ریزند و از وطن دفاع می کنند.

مردم افغانستان دارای بعضی خصوصیات و عنعنات قیمت دار ملی بوده اند و هستند که در میان سائر جوامع بشری مختص به خود مردم این مملکت و از رسوم و عادت نهایت مفید و با ارزش ما محسوب می گردد. یکی از این رسوم ارزشمند جرگه های قومی و ملی می باشد که در مواقع عادی زندگی و چه در موارد مهم ملی مردم دور هم جمع شده و در مسایل عمومی بحث و مذاکره کرده اند و تمام مردم افغانستان بدون در نظر داشت کدام قوم، گروه و قبیله خاص این عنعنۀ بزرگ ملی را تا حال حفظ کرده اند.

در گذشته در جرگه ها که شرح آن خواهد آمد مردمانی اشتراک می کردند که مربوط به جامعه و محیط خود بوده، از درد ها، مشکلات مسایل مهمۀ مردم آگاه و انسان های خیراندیش، دل سوز، نیکو کار و وطن دوست بودند، لذا تصمیم های شان بحیث فیصله های لویه جرگه یا جرگۀ بزرگ ملی مورد قبول و احترام واقع می شد. اصلاً بانی و موجد جرگه ها در هر عصر و زمان مردم کشور بوده اند نه حکومت ها و سلاطین، جرگه ها از طرف مردم دائر گردیده در امور مهم کشور و گاه گاه در تعیین پادشاه و رئیس دولت و امور مهمۀ دیگر تصمیم گرفته اند. مانند جرگۀ سال ۳۶۶ هـ ق مطابق ۹۷۷ م شهر غزنی که سبگنگین را به پادشاهی برگزیدند و جرگۀ سال ۱۰۹۶ هـ ق مطابق به ۱۷۱۷ م شهر هرات که فیصله های آنرا مطالعه خواهید کرد و جرگۀ سال ۱۱۲۶ هـ ق مطابق به ۱۷۴۷ م مزار شیر سرخ قندهار که نتیجه اش انتخاب احمد شاه بابا به حیث پادشاه مملکت بود. اگر حکومت ها و پادشاهان در تدویر لویه جرگه ها اقدام کرده اند، در مملکت اوضاعی پیش آمده که دولت در حل مسایل ناچار مانده، لذا جرگه ها را دعوت کرده اند.

این اثر مشتمل بر ذکر سه نمونه از جرگه های باستانی، ۲۰ جرگه ای که در ادوار گذشته و تاریخ معاصر مملکت دایر شده تصمیم هائیکه جرگه های مذکور اتخاذ کرده اند، قوانین اساسی که در بعضی از این جرگه ها و در مدت شصت سال اخیر تاریخ مملکت نافذ بوده اند، می باشد.

بر علاوه در هر قسمت مظالم روس ها، قتل عام، کشتار و آوارگی هموطنان عزیز، جهاد مجاهدین شجاع و با شهامت مردم ما جسته جسته بیان شده مخصوصاً شش جرگۀ اخیر تماماً با مقایسه جرگه های ملی گذشته و ذکر جنایت ها و خیانت های کمونیست ها می باشد که چگونه می خواهند رسوم و رواج های عنعنوی مفید مردم ما را به نفع اغراض جنایت کارانه شان استعمال و از نام تأریخی آن بهره برداری کنند. ...

در تحریر این اثر از قسمت مطالعات آسیای میانه کتابخانه پوهنتون پشاور به حد زیاد استفاده کرده ام. ...

محمد علم فیض زاد، سنبله ۱۳۶۵ هـ ش- اسلام آباد

آقای فیض زاد در اثر خویش زیر عنوان جداگانه "توضیحات مختصر" کلمۀ جرگه را تحت کاوش قرار داده می نگارد:

... جرگ:

جرگ حلقه معرکه گشتی گیران (غیاث الغات و چراغ هدایت) که آنرا ورزش خانه و تعلیم گه و تعلیم گاه نیز گویند (بهار عجم، آنند راج) و بعد از آن به جرگ حشریان را تحرک دادند (جوینی)

جرگ را دیده حیرت زده محشر کن تازه کن زمزمه را ساز عراقی سر کن

قابل اهل دل و لایق الفت نبود جرگ و ترگی که در و شور محبت نبود

میر نجات در خطاب به مطرب (از بهار عجم و آنندراج)

حلقه وصف مردم و حیوانات (ناظم الاطباء)

نوعی از شکار کردن که مردم بسیاری دور شکار را حلقه بسته و آنرا در میدان گیرند (ناظم الاطباء) مرادف به نرگ (?) که به معنی حلقه زدن لشکر برای شکار باشد (بهار عجم و آنندراج)

جرگه:

به فتح جیم، سکون را و فتح گ: حلقه زدن و صف کشیدن مردم و حیوانات دیگر (برهان)- صف کشیدن انبوه مردم (غیاث اللغات).

و نوعی از شکار که گرد صید حلقه بسته می گیرند. صاحب غیاث اللغات این لغت را ترکی می داند اما تمام فرهنگ ها به شمول آنند راج این لغت را فارسی می دانند و ترکی بودن این لغت در هیچ فرهنگ دیگر دیده نشده است. مطلق صف و حلقه است خواه مردمان باشند خواه سائر حیوانات از چرنده و پرنده (آنند راج و بهار عجم)

و فرمان شد که لشکر هائی که بر مدار ایستاده اند به جرگه روان شوند (رشیدی)

و لشکر در قفای آن دیوار به جرگه فرود آمدند (رشیدی)

عقل از زمره رئیس و جلیس بخت در جرگه عبید و خدم

...

چو تیغت کند کار بر جرگه تنگ در آید بدم لا بد غران پلنگ

(نورالدین ظهور (از بهار عجم و آنندراج)

گر آهوی چین ور غزال خطا است که در جرگه چشم جادوی او ست

(محسن تاشر، آنند راج)

سرور جرگه شاهان جهان شاه نجف صفدر معرکه شیر دلان شیر خدا

(سید اشرف، آنند راج)

و گر زاغ و گر صعوه نا توانم همین بس که در جرگه بلبانم

(طالب آملی، آنند راج)

چشم او در حلقه دارد آهوی عقل مرا حد مجنون کی بود داخل شود در جرگ من

(شیخ کاشی، بهار عجم)

ترکیبات:

شکار جرگه: شکاریکه حیوانات شکاری را از هر سوی به مرکز رانند تا بدانجا گرد شوند تا شکار شاه یا امیر

و ملتزمان وی رکاب وی آسان شود ریادداشت مؤلف فرهنگ مرحوم دهخدا جرگه سابق حلقه زدن صف

کشیدن:

اشارت کرد خاصان را نشستند پرستاران به خدمت جرگه بستند

(ناظم هروی، از ارمغان آصفی)

جرگه پهلوانان:

بعضی گویند جائیکه پهلوانان با هم کشتی گیرند. (بهر عجم- آنند راج)

با ذکر توضیح فرهنگ های مختلف در مورد کلمه جرگه می توان نتیجه گرفت که این کلمه دری فارسی به معنی انبوه مردم، جمعیت مردم، گروه مردم نشست و گرد هم آئی، تبادل افکار و شور و مذاکره می باشد. کلمه و اصطلاح جرگه در تاریخ و فرهنگ مردم ما رسمیت و سابقه طولانی دارد. در قانون اساسی مملکت ما نافذ در سال ۱۳۴۳ هـ ش مطابق ۱۹۶۴ م رسماً داخل اصطلاحات قانونی گردید که مجلس شورای ملی "ولسی جرگه" و مجلس اعیان(سنا) "مشرانو جرگه" نام گذاشته شد.

ادامه دارد

